

بررسی عناصر شعری در اشعار غلامرضا بکتاش (بررسی موردی رونویسی بهار)

سمیه سلامی راد^(۱)

۱. دانش‌آموخته گرایش ادبیات کودک و نوجوان و کارشناس واحد آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ استان خراسان رضوی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

شعر کودک و نوجوان در کنار دیگر گونه‌های ادبیات کودک و نوجوان آثار متعدد و ویژه‌ای در کارنامه خود دارد. نقد و بررسی آثار شعری شاعران مطرح این حوزه می‌تواند، ابزاری مناسب در جهت پیشرفت شعر کودک و ارتقاء سطح ادبی و هنری آثار باشد. غلامرضا بکتاش شاعر پیشکسوت جوان که به گفته مصطفی رحماندوست، گوی سبقت را در شعر کودک و نوجوان از دیگران ربوده از سال ۱۳۷۰ سرودن را برای کودکان و نوجوانان آغاز کرده‌است و تا اکنون به طور جدی در این حوزه فعالیت می‌کند. کمیت و کیفیت آثار منتشر شده و فعالیت‌های فرهنگی او در پیوند با کودک و نوجوان او را به یکی از مطرح‌ترین و جدیدترین شاعران این حوزه تبدیل کرده است. در این پژوهش کوشش شده است پس از معرفی و بیان ویژگی‌های عناصر شعری در شعر کودک و نوجوان موارد یاد شده را در کلام شاعرانه غلامرضا بکتاش به‌ویژه در مجموعه شعر «رونویسی از بهار» نشان داده و چگونگی کاربرد عناصری مانند موسیقی، تخیل، زبان و عاطفه را مورد بررسی قرار دهم.

واژه‌های کلیدی: غلامرضا بکتاش، رونویسی از بهار، عناصر شعری، موسیقی، تصویر، زبان، عاطفه.

مقدمه

تعاریف بسیاری در معنی شعر ارائه شده است، به گونه‌ای که تا کنون معنای مشخصی از آن متصور نیست. از این‌روی برای شناخت مفهوم شعر، ناگزیر هستیم تنها به بررسی اجزای تشکیل دهنده آن بپردازیم. از مهم‌ترین عناصر شعری که در تعریف شعر بزرگسال نیز به اهمیت از آن نام می‌برند، می‌توان به سه عنصر عاطفه، احساس و تخیل اشاره کرد؛ این سه عنصر، همچنین در شعر کودک، پرکاربرد و دارای اهمیت است؛ اما چیزی که ضروری می‌نماید، استفاده از این موارد، متناسب با درک و دریافت کودکان در مقاطع مختلف سنی آنها است. شعر کودک به دلیل برخورداری از مفاهیم آموزشی و تربیتی، دارای ویژگی‌هایی است که در شعر بزرگسال مطرح نبوده و توجه به نیازها و امکانات کودک،

شعر او را از شعر بزرگسال جدا کرده و موجب بروز تفاوت‌هایی می‌شود. چیزی که در این پژوهش به‌عنوان مسئله اصلی مطرح است، جستجو پیرامون همین تناسب و تفاوت‌ها در مجموعه‌ی موردبررسی است؛ اینکه آیا کلام شاعر متناسب با سطح نیاز و امکانات مخاطب موردنظر است، یا خیر؟

پیشینه پژوهش

«پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون، در پیوند با شعر کودک و نوجوان، هرچند در مقایسه با دهه‌های نخست شکل‌گیری آن پررنگ است، اما راهی طولانی را برای غنی‌تر شدن پیش رو دارد. بیشتر آثاری که درباره ادبیات کودکان و شعر کودک نوشته شده‌اند، سعی در معرفی ادبیات کودکان و ارائه راهکارهایی مناسب برای بهتر شدن کیفی آثار داستانی یا شعری داشته‌اند و کمتر به نقد و تحلیل آثار شعری، به ویژه از جنبه‌های زیبایی‌شناسانه پرداخته‌اند.» (حسام‌پور، ۱۳۹۲: ۶۳)

ادبیات کودک و نوجوان به‌عنوان رشته‌ای نو شناخته در این‌گونه کتاب‌ها، مبتنی بر پیشینه‌ی تاریخی آن در داخل و خارج از کشور، از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه‌ی کودک معرفی شده است. مجموعه تاریخ ادبیات کودک، در ده جلد، نوشته‌ی محمدهادی محمدی و زهره قایینی، ادبیات کودکان و نوجوانان، تألیف بنفشه حجازی، شعر کودک در ایران از محمود کیانوش، دیگرخوانی‌های ناگزیر و معصومیت و تجربه به قلم دکتر مرتضی خسرو نژاد، ادبیات کودکان از علی‌اکبر شعاری نژاد، آشنایی با ادبیات کودکان و پژوهشی در شعر کودک از منوچهر علی‌پور، بنیادهای ادبیات کودک از کمال پولادی و تعدادی دیگر که در معرفی این دانش نوپا، سهم به‌سزایی داشته‌اند.

«سید علی کاشفی خوانساری، به همراه برخی از پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۹ سلسله کتاب‌هایی را با هدف تبیین نمای کلی وضعیت ادبیات کودک ایران و کوشش در ثبت تاریخی آن، نقد و بررسی ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تقدیر از چهره‌های فعال ادبیات کودک و تأمین نیازهای تحقیقاتی پژوهشگران منتشر کرد. هر یک از این مجموعه‌ها به یکی از شاعران شعر کودک، زندگی‌نامه، معرفی آثار و نقد برخی از آثار آن‌ها اختصاص یافته است. در فصل‌هایی از این کتاب‌ها که مربوط به معرفی شخصیت‌ها، سابقه فعالیت و معرفی آثار است، نقدهای ارزنده‌ای از برخی آثار ارائه شده است که متأسفانه مختصر و جزئی است و در آنها فقط معدودی از ابیات مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند.» (حسام‌پور، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۴)

کتاب نقد و بررسی شعر کودک از منوچهر علی‌پور، اثر دیگری است که برخی از عناصر شعری در آثار شاعرانی چون دولت‌آبادی، کیانوش، یمینی شریف، ابراهیمی و رحماندوست نقد و بررسی کرده است.

محمود کیانوش نیز، در این زمینه تألیفی دارد که تحت عنوان شعر کودک در ایران که در سال ۱۳۵۵، توسط انتشارات آگاه منتشر شده است. «اهمیت این کتاب در ارائه راهکارهای مناسب برای شاعران و ناقدان شعر کودک است، به‌ویژه که این کتاب در رده نخستین کتاب‌هایی قرار می‌گیرد که در جهت بارورسازی شعر کودک نگاشته شده است.» (حسام‌پور، ۱۳۹۲: ۶۵)

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۵، از این باغ شرقی را به قلم پروین سلاجقه منتشر کرد.

در این کتاب مباحث نظری ادبیات کودک و نوجوان مطرح شده است. بعضی از نظریه‌های مطرح شده در این کتاب، بر پایه فرضیه‌های نظری و ابزارهای زیبایی شناختی سنتی و مدرن در آثار بررسی شده و بعضی دیگر در حین پژوهش، شکل گرفته‌اند.

«بخش نظری بر دو حوزه دانش شرق و غرب (سنتی و مدرن) استوار است و بخش عملی که در آن نمونه‌هایی از شعرها برای نمایش کاربرد این نظریه آمده‌اند، بر پایه شعرهای شاعران کودک و نوجوان است.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۱۶)

این کتاب که ۲۲ فصل دارد، شعر کودک و نوجوان را از مشخصه‌های گوناگون نظریه و نقد ادبیات کودک و نوجوان، تاریخچه، شعر کودک و نوجوان، تخیل، صنایع شعری، حس‌آمیزی، موتیف‌ها و نشانه‌ها، طنز، تخیل، اسطوره، عاطفه، زبان، اندیشه، معنی و مضمون، روایت، اندیشه‌ی اجتماعی و آسیب‌شناسی بررسی کرده است. از این باغ شرقی در سال ۱۳۸۶ برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شده است.

در تحقیق توصیفی تحلیلی حاضر قصد داریم به این سوال‌ها پاسخ دهیم:

۱. مجموعه مورد بررسی از حیث عنصر موسیقی و انواع آن چگونه است؟

۲. مجموعه مورد بررسی از حیث عنصر تخیل و انواع آن چگونه است؟

۳. مجموعه مورد بررسی از حیث عناصر اندیشه، زبان و ساختار چگونه است؟

درباره عبارت «ادبیات کودکان و نوجوانان» متخصصین غرب و شرق تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند که هرکدام از این نظریه‌ها از زاویه دیدی متفاوت به مقوله کودک و نوجوان و دوران کودکی و نوجوانی پرداخته‌اند؛ اما چیزی که مسلم است، برای رسیدن به تعریفی جامع در این زمینه، نیازمند توجه به دو موضوع ادبیات (انواع مختلف آن) و مخاطب هستیم. داشتن شناختی صحیح از مخاطب و نیاز او به انواع ادبی، شالوده اصلی رسیدن به تعریفی صحیح از این عبارت است.

شعر، یکی از انواع ادبی کودک و نوجوان است که از منظر ساختار، در فرم و ژانری مستقل قرار می‌گیرد. توجه مخاطب به این ژانر مستقل و نقش آن در شناخت و اثرپذیری او از مفاهیم و پدیده‌های اطرافش ایجاب می‌کند که به این مقوله با نگاهی کاوشگرانه پرداخته شود و از آنجاکه به اذعان صاحب‌نظران، ادبیات کودک در کشور ما پیشینه‌ی دیر سالی ندارد و سابقه‌ی بروز آن در بستر جامعه ایران، به یک قرن نمی‌رسد؛ در همین راستا، بررسی تخصصی‌تر محتوای تولیدشده در این زمینه می‌تواند، دغدغه اصلی متخصصین نقد ادبیات کودک و نوجوان باشد. «اگرچه ادبیات کودک، در میهن ما قدمتی به قدمت ملت ایران دارد اما از تولد آن در معنایی نوین، هنوز یک سده هم نمی‌گذرد. در این زمان نیز در گیرودار اوج و فرودهای اجتماعی، همچون سایر پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی راه پر افت و خیزی را پیموده است.» (خسرونژاد، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۵)

در این پژوهش، تحلیل زیبایی‌شناسانه‌ی برخی از عناصر شعری چون موسیقی، زبان، تصویر و عاطفه در مجموعه رونویسی/از بهار غلامرضا بکتاش مورد نقد قرار گرفته و از منظر شاخص‌های نظری علوم بلاغت ادبی، به شکل کیفی بررسی شده است. همچنین، در بررسی هر شعر، توانایی شاعر در استفاده از عناصر شعری متناسب با نیاز مخاطب سنجیده شده است.

موسیقی در شعر کودک

«اگر بخواهیم عناصر شعر کودک و نوجوان را اولویت‌بندی کنیم، عنصر موسیقی در اول قرار می‌گیرد؛ زیرا موسیقی شعر، اثرگذارترین عنصر بر روان کودک و نوجوان است.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۶۱)

اولین کسی که درباره موسیقی در شعر، نظریه‌پردازی کرده و در تعریف خود به انواع موسیقی اشاره داشت، شفیع‌الدکنی بود. در کتاب موسیقی شعر او، به چهار نوع موسیقی اشاره شده است. «۱. موسیقی بیرونی که همان وزن عروضی است. ۲. موسیقی کناری: قافیه و ردیف و برخی از انواع تکرارها. ۳. موسیقی داخلی (درونی) که مجموعه‌ای از هماهنگی‌هایی است که به کمک پیوند یا تقابل میان صامت‌ها و مصوت‌های کلمات یک شعر به وجود می‌آید، مانند انواع جناس، واج‌آرایی و تکرار واژگان، حروف و عبارات. ۴. موسیقی معنوی که شامل ارتباط‌های نهفته اجزای یک مصراع می‌شود و به کمک انواع تضادها و تقابل‌ها و تناسب‌های لفظی و معنوی به وجود می‌آید.» (شفیع‌الدکنی، ۱۳۷۰: ۳۳۱ تا ۳۹۰)

بنابراین و بر همین اساس، می‌توان شعر کودک را نیز از منظر تناسب‌ها و توازن‌های موسیقایی به انواع بیرونی، کناری، داخلی (درونی) و معنوی تقسیم‌بندی کرد.

موسیقی کناری در شعر کودک

در شعر کودک و نوجوان، قافیه از اهمیت بیشتری برخوردار است. «قافیه یکی از جلوه‌های وزن و به عبارتی مکمل وزن است؛ زیرا در هر قسمت مانند نشانه‌ای، پایان یک قسمت و شروع قسمت دیگر را نشان می‌دهد.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۶۴)

«کودک پیش از آنکه در موسیقی کلامی یا شعر به اوزان یا بحرهای شعری برسد موسیقی قافیه را می‌شناسد و برای او شعر بودن کلام به قافیه داشتن، آن مشخص می‌شود؛ این تشخیص بر آهنگ یا موسیقی قافیه استوار است. با چنین مقامی که قافیه به‌منزله یک جزء اساسی موزیکی در شعر دارد، شعر کودک بدون قافیه قابل تصور نیست. ترتیب قافیه‌ها باید چنان باشد که میان آهنگ آنها و میان ضربه‌های یکسان آن‌ها فاصله طولانی نیفتد.» (کیانوش، ۱۳۵۵: ۵۹ و ۶۳)

موسیقی بیرونی (وزن) در شعر کودک

«یکی دیگر از عناصر برجسته موسیقی ساز شعر، وزن است که افزون بر طربناک و آهنگین کردن شعر تأثیر فراوانی در انتقال فضا و محتوای شعری دارد.» (حسام‌پور، ۱۳۹۲: ۶۶)

«کودکان، برخلاف بزرگسالان نمی‌توانند در شعر تنها جویای جوهر شعری محض یعنی ادراک، احساس، تخیل و صور خیال باشند. لذا وزن و آهنگ در شعر کودک بیش از شعر بزرگسالان اهمیت دارد.» (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۹۳)

«استفاده از وزن خوب و مناسب در سرایش شعر کودک موجب می‌شود شعر روان‌تر و ساده‌تر بنماید و کودک نیز بسیار زود با شعر ارتباط برقرار کند.» (علی‌پور، ۱۳۸۵: ۸۸)

«هنگامی که ما از «شعر کودک» سخن می‌گوییم، مراد ما، شعری است که فرصت ورود به دنیای شعر محض را به کودک بدهد؛ یعنی پلی باشد میان شعر عامیانه طفلانه و شعر محض یا رسمی؛ بنابراین شعر کودک باید در وزن

پیرو شعر رسمی باشد، با این تفاوت که از میان اوزان شناخته شده عروضی و متفرعات آن‌ها وزن‌هایی انتخاب کنیم که اولاً با وزن‌های هجایی چندان بیگانه نباشد و ثانیاً این وزن‌ها کوتاه و پر جنب‌وجوش و رقصان باشد.» (کیانوش، ۱۳۵۵: ۷۴)

موسیقی درونی و معنوی (صنایع لفظی و معنوی) در شعر کودک

موسیقی درونی در شعر به واسطه‌ی بروز آرایه‌های مختلفی می‌آید.

«کاربرد این آرایه‌ها در شعر، با ایجاد هماهنگی‌های لفظی و صوتی، موسیقی شعر را افزایش می‌دهد. هر چه سن

کودک و نوجوان کمتر باشد، بهره‌گیری شاعر از این آرایه‌ها بیش‌تر است» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۶۹)

«در کتاب بدیع نو نوشته مهدی محبتی، برخی از مبانی موسیقایی صنایع بدیعی از دید پژوهشگرانی مانند شفیعی کدکنی، سیروس شمیسا و کورش صفوی، در پیش روی خوانندگان قرار گرفته و به نمودار کشیده شده است. نتیجه‌ای که از مطالب این فصل و نظریه‌های استادان و دیگر کتاب‌های مربوط به صنایع لفظی و بدیعی می‌توان گرفت، ما را به این باور می‌رساند که این صنایع و بدایع، عناصر مهم و اساسی در غنی‌سازی موسیقی درونی و معنوی شعر هستند. برخی از پرکاربردترین صنایع لفظی و معنوی که در شعر کودک نیز کاربرد بیشتری دارند، مانند «انواع جناس‌ها، ترصیع، موازنه و خانواده تکریر» در بخش موسیقی درونی و «مراعات التظیر (تناسب)، انواع مطابقه، تلمیح، تنسیق صفات، سیاقه‌الاعداد و...» در بخش موسیقی معنوی، در صورتی که به‌طور ملایم و درجای خود به کار روند، مهم‌ترین عوامل در غنای موسیقایی، تأکید محتوایی و فضا‌سازی شعر هستند.» (حسام‌پور، ۱۳۹۲: ۶۷)

صورخیال در شعر کودک

تخیل شاعرانه، منجر به خلق تصاویری می‌شود که زیبایی را به همراه می‌آورد. یکی از ارکان اساسی آثار کودکان خصوصاً خردسالان تصویر و تخیل است (جلالی، ۱۳۹۵: ۳۹). «خیال، تصرف شاعر است در واقعیات پیرامون. با بهره‌گیری از عنصر خیال، از منطق عادی و طبیعی خود خارج می‌شود و به سمت شعر شدن می‌رود.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۷۶)

«عموماً اصطلاح تصویر را برای کلیه کاربردهای مجازی به کار می‌برند. در این مفهوم، تصویر عبارت است از هرگونه کاربرد مجازی زبان که شامل همه صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص، حس‌آمیزی، پارادوکس و... می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵)

«خیال شاعرانه، با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری می‌کند و تصاویر خود را از این راه به تماشا می‌گذارد. این تصویرهای خیالی در چارچوب بسته تشبیه و استعاره محدود نمی‌ماند.» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲)

«بنابراین «تصویر» عامل مهم تخیل شعری است که از طریق آرایه‌های ساده یا پیچیده ادبی، به وجود می‌آید و

تصرف ذهنی شاعر، نقش مهمی در ساخته‌وپرداخته شدن آن دارد.» (حسام‌پور، ۱۳۹۲: ۶۸)

تصویر در شعر کودک

استفاده از تصویر در شعر کودک و نوجوان باید با محتوای تولید شده متناسب باشد، در نظر گرفتن این نکته در شعر خردسالان اهمیت بیشتری دارد.

«از میان صورخیال، آنچه در مجموعه‌های شعری بیشتر شاعران کودک یافت می‌شود، تشخیص، تشبیهات ساده و حسی، استعاره و تاحدی حس‌آمیزی است. تصویرها و توصیفات با حوزه زبان کودک ارتباط دارند و مواد سازنده آن‌ها ملموس و قابل درک‌اند.» (حسام پور، ۱۳۹۲: ۶۸)

«در ذهن کودکان، به‌ویژه کودکان کم‌سال، هنوز سلسله‌درازی از تداعی معانی تشکیل نشده است که یک‌چیز نماینده چیزهای بسیار باشد به همین صورت محدود بودن تجارب کودکان، استفاده از صنایع لفظی و معنوی را برای آنها محدود می‌کند.» (پولادی، ۱۳۸۴: ۱۹۴)

عاطفه در شعر کودک

عاطفه یکی از مهم‌ترین عناصر سازنده شعر است و از آنجاکه مخاطب بیشترین اثرپذیری شعری را از احساسات و عواطف موجود در آن به دست می‌آورد، اهمیت آن آشکار می‌شود. در تعریف عاطفه از آن جهت که همچون دیگر عناصر شعری آموختنی نبوده و با درونیات شاعر در ارتباط است، سخنان زیادی نقل شده است:

«انتقال حالت اندوه، شادی، یاس، امید، ترحم، درد، خشونت، مهربانی، عشق، زیبادوستی و ... را در شعر جلوه‌ای از عاطفه شعر می‌نامند. در شعر کودک و نوجوان بروز و ظهور تخیل و اندیشه بدون تجلی عاطفه بی‌معناست. به‌بیان دیگر پیام یا تصویر شاعرانه در شعر کودک و نوجوان زمانی تأثیرگذار خواهد بود که با عاطفی‌ترین شکل خود بیان شود.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۷۵)

«شعر با اینکه اصولاً کَشش عاطفی دارد اما درباره مضامین یا افکار ساخته می‌شود محتوای اصلی شعر، موضوع، فکر یا پیامی است که در آن وجود دارد و ادراکات و عواطف و احساسات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پاسخ و عکس‌العمل عاطفی کودک به هر شعر، بستگی به میزان جذب شدن او به محتوای آن دارد.» (حجازی، ۱۳۸۲: ۱۴۹)

زبان در شعر کودک

محمد گودرزی در کتاب *ادبیات کودکان و نوجوانان ایران* می‌گوید: «نخستین جلوه‌ی ادبی موجود در یک اثر به‌ویژه اگر شعر باشد «زبان» است... زبان در شعر وسیله‌ی انتقال عاطفه، خیال و اندیشه است و چهار نقش ارتباطی، تفکر آفرینی، بیان احساسات و زیبا آفرینی را عهده‌دار است.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۸۹)

به گفته‌ی محمود کیانوش: «زبان در شعر کودک باید «ساده» و «طبیعی» و «امروزی» و «مفهوم» باشد. سادگی زبان بر دو اصل استوار است: ۱- لغات زبان از محدوده گفتار کودک بیرون نباشد. ۲- ترکیب کلام هر چه بیشتر به زبان ساده گفت‌وگویی نزدیک باشد و از درهم‌ریختگی‌هایی که سخن منظوم معمولاً در انتظام ساده کلام پیش می‌آورد، پرهیز شود.» (کیانوش، ۱۳۵۵: ۸۵)

سلاجقه نیز معتقد است: «در شعر کودک منظور از زبان کودکانه در کنار هم چیدن تعدادی واژه کودکانه نیست،

بلکه «رفتارها تازه زبان» است که به زبان کودکان منجر می‌شود و انعکاس‌دهنده ذهنیت، جهان و رفتار کودکان است؛ که در این میان به‌کارگیری واژگان خاص کودکان، اهمیت بسزایی در تقویت این زبان دارد.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۳۲۸) «شعری که برای کودکان سروده می‌شود باید زبانی ساده و روان و قابل فهم داشته باشد. ساده بودن زبان دارای دو مفهوم است: نخست ساده بودن واژه‌ها با توجه به محدود بودن دایره واژگان کودکان و دوم سادگی از نظر ساختمان نحوی کلام.» (حسام پور، ۱۳۹۲: ۶۹)

تشکل و ساختار

«شعر یک واحد متشکل و به‌هم‌پیوسته است. عناصر شعر اگر به زیبایی و هنرمندی ترکیب شود به ارتباط و انسجام زنجیره بیان، تصاویر و مفاهیم شهری منجر می‌شود و گرنه چیدن بی‌ارتباط عناصر کنار هم به زیبایی نمی‌انجامد. در یک شعر، همه‌مؤلفه‌ها عناصر باید طوری شکل یابد که هدف واحدی را نشانه‌گیری کند. بهره‌گیری از این توانایی را تشکل یا ساختار شعر می‌گویند.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۹۰)

شکل‌های اصلی شعر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- شکل درونی (ذهنی): همان ارتباط اندام‌وار اجزا و عناصر شعر در بافت کلی آن است.

۲- شکل بیرونی (قالب): همان قالب‌های ظاهری شعر است که خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

۲- الف: قالب‌های سنتی (کلاسیک): قصیده، قطعه، مثنوی، دوبیتی، رباعی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسقط، مستزاد، چارپاره و ...

۲- ب: قالب‌های نو (آزاد): نیمایی، فرا نیمایی، سپید (شعر منثور)، موج نو.» (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۹۰-۹۱)

این پژوهش در گروه پژوهش‌های کیفی (Qualitative) قرار می‌گیرد. برای این منظور عناصر شعری و عوامل زیبایی‌شناسی در مجموعه شعر رونویسی از بهار و مختصات شعر کودک و نوجوان از جنبه زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و برخی از ویژگی‌های مهم، مانند قالب‌های شعری، موسیقی، تخیل و عاطفه در اشعار به‌طور مختصر و با نگاهی نقادانه بررسی شده‌اند.

رونویسی از بهار عنوان مجموعه شعری است از غلامرضا بکتاش که برای گروه‌های سنی «ب و ج» یعنی دانش‌آموزان اول تا پنجم دبستان سروده شده است و شامل دوازده عنوان شعر با مضامین طبیعت و جنبه‌های آن، جنگ، انقلاب و عاشورا است. با اینکه در سال‌های اخیر قالب شعر کودک چهار باره بوده اما در این مجموعه با نوعی آشنازدایی مواجهیم و آن اقدام به تجربه در دیگر قالب‌ها مانند سه‌تایی (سه پاره نو) و پنج‌تایی است؛ بنابراین آنچه به‌عنوان نقد در این مقاله مطرح‌شده، در واقع بررسی این مجموعه شعر از حیث مضمون و قالب‌های بیانی در شعر رده سنی یادشده است که تا حدی در مورد تعدادی از شعرهای آن اجرا شده است.

رونویسی از بهار

در اولین شعر این مجموعه که عنوان کتاب را نیز به خود اختصاص داده است، با تعدادی توصیف و تشبیه روبه‌رو می‌شویم که با بیان برخی ترکیب‌های نامأنوس و دور از ذهن برای مخاطب کودک به طور کلی شعر را در زمره اشعار

ثقیل و دیرفهم قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که حتی شنیدن آن در مرتبه نخست برای مخاطب بزرگسال نیز تأمل و تفکری چندباره را به همراه خواهد داشت و این در صورتی است که آنچه در شعر کودک مهم و ضروری می‌نماید، دنیای محسوسات و زندگی مأنوس اوست بنابراین بیان مفاهیم انتزاعی و دور از ذهن به‌ویژه برای کودکان در رده‌های سنی ۷ و ۸ سال نمی‌تواند جایگاه چندانی داشته باشد، «چرا که در ذهن این کودکان هنوز سلسله‌درازی از تداعی معانی شکل نگرفته است که (برایشان) یک چیز نماینده چیزهای بسیار باشد و شاعر بتواند با تکیه بر تخیل نیرومند و غنی خود و بهره‌گیری از تشبیهات و تصاویر توصیفی «آشنایی زدا» مسائلی را برای مخاطب کودک خود بیان کند؛ به همین علت یعنی محدود بودن تجارب کودکان، استفاده از صنایع لفظی و به‌ویژه معنوی را تا حدی برای آن‌ها محدود می‌کند.» (پولادی: ۱۳۸۷: ۲۹۴) در اولین شعر این مجموعه کاربرد پر تعداد ترکیب «رونویسی کرده است» صرف نظر از بُعد موسیقایی تا حدی به مفهوم و مضمون شعر لطمه زده است؛ خصوصاً برای مخاطب گروه سنی «ب» که شاید تا آنجا متوجه معنی لغوی «رونویسی کردن» نیز نباشد بنابراین به کارگیری پر تعداد این واژه نامأنوس برای بیان تشبیهاتی انتزاعی به عبارتی سخت‌تر کردن سخت است.

ضمن آنکه صرف نظر از وزن و ریتم شعری اگر کلمات به کار گرفته در این شعر را برای دریافت بهتر مفهوم به صورت نثر بنویسیم، باز هم در دریافت معنا و مضمون ابیات دچار ابهام و سرگستگی می‌شویم:

رونویسی کرده است

کوه یخ از آفتاب

چشمه‌ای را با شتاب؟! ... (بکتاش، ۱۳۸۵: ۱)

کوه یخ از آفتاب چشمه‌ای را با شتاب رونویسی کرده است!!!؟؟

اگر مقصود شاعر این باشد که «کوه یخ» از روی آفتاب چشمه‌ای را رونویسی کرده است، استفاده از ترکیب «کوه یخ» اگر با اراده اضافه تشبیهی باشد (تشبیه یخ به کوه) برای ساخت این تصویر شاعرانه نه تنها در دریافت مفهوم و مقصود شعر کمکی نمی‌کند، بلکه کودک را در فهم دچار سردرگمی کرده و به درک او لطمه می‌زند. این توضیحات در مورد دیگر ابیات این شعر نیز تا حدی صادق است:

رونویسی کرده است

برکه‌ای از آسمان

ماه را مانند نان ...؟! (همان)

در این بیت نیز مانند کردن ماه به نان در فهم تصویر «رونویسی کردن از آسمان» بی‌معنی می‌نماید.

مشخصات و قالب‌های بیانی

«یکی از وجوه مهم شعر کودک کیفیت موسیقایی یا آهنگین بودن آن است. این مسئله به عنصر وزن و قافیه در شعر کودک جایگاه خاصی می‌دهد. از آنجا که کودک بر خلاف بزرگسال نمی‌تواند در شعر تنها جویای جوهر شعری محض یعنی ادراک، احساس، تخیل و صورخیال باشد، لذا وزن و آهنگ در شعر کودک بیش از شعر بزرگسال اهمیت دارد.» (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۹۲) وزن در شعر مورد بحث (رونویسی از بهار) در زمره قالب‌های «بعد از چهارپاره» تحت عنوان «سه پاره نو»

است که از جمله شگردهای تغییر وزن و قالب در شعر کودک و نوجوان در سال‌های اخیر است. «این تلاش‌ها هنوز در حد تجربه‌های پراکنده است، اگرچه شکل نگرفته و به شیوه مسلط تبدیل نشده است، اما در مواردی موفق بوده است. این سه‌پاره‌ها همان‌گونه که در شعر مورد بحث ملاحظه می‌شود، نوعی از شعر هستند که به جای چهار مصراع از سه مصراع تشکیل شده‌اند که جای قرارگرفتن قافیه در آن‌ها در هر شعر متفاوت است.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۲۶۰)

ختم کلام: با اینکه کودکان در شعر بیش از آنکه دنبال معنا باشند، دنبال آهنگ و ریتم هستند و کلام آهنگین و مقفی را صرف نظر از اینکه معنی داشته باشد یا نه و یا اینکه چه مقدار از مفهوم شعر برای آن‌ها قابل درک است، دوست دارند؛ واضح است که این بدان معنی نیست که می‌توان برای کودکان به راحتی و صرف نظر از معنا و مفهوم سرود، بلکه منظور آن است که باید به ریتم و قافیه در خدمت بیان معنا و مفهوم در مسیری ساده و سهل‌الوصول توجه بیشتری کرد. چرا که نادیده گرفتن هر کدام سبب سلب علاقه کودک نسبت به شعر می‌شود.

علی‌رغم ویژگی‌هایی که در زبان و محتوای شعر یاد شده برشمردیم و مباحث نقدی پیرامون آن طرح شد، می‌توان به کاربرد برخی صورخیال که در آن‌ها از نقش‌مایه‌های «آشنایی زدا» و تازه استفاده شده است، اشاره کرد. از جمله: کاربرد اضافه تشبیهی «کتاب آفتاب» که نه تنها از جهت کاربرد پشت سر هم دو واژه با پایان مشترک (حرف پایانی) ارزشمند است (به وزن شعر کمک شده است)، بلکه از جهت نوآوری در تشبیه و ارائه وجه شبهی نو می‌تواند مورد استقبال قرار گیرد.

«خدا حتما به ...»

در دومین شعر این مجموعه «خدا حتما به ...» همان ایراد شعر پیشین (ناهمگونی در ارائه مفاهیم متناسب با درک مخاطب کودک) به شکلی دیگر خودنمایی می‌کند. در این شعر نیز تکرار چند واژه پشت سر هم در پاره‌های مختلف تداعی‌کننده یک مفهوم کنایی یا ضرب‌المثل معروف «زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد!» است. اما همان‌گونه که در شعر «رونویسی از بهار» یادآور شدیم، از آنجا که در ذهن کودک (مخاطب هشت، نه ساله ما) هنوز روند بلند تداعی معانی شکل نگرفته، بنابراین شاعر نمی‌تواند با بهره‌بردن از کنایه و دیگر ایمازهای هنری مسائلی عمیق را برای این مخاطب کم‌تجربه بیان کند. خصوصا اگر در این سخن کنایی لایه‌هایی از معنا نهفته باشد و در فهم آن احتیاج به توضیح و تفسیر باشد (مشابه کنایه به کار رفته در شعر حاضر). در پایان باید اشاره کرد: علی‌رغم اینکه کنایه در ادبیات بزرگسال جایگاه بسیار برجسته‌ای دارد ولی در ادبیات کودک و به‌ویژه در شعر شواهد کاربرد آن محدود است.

ضمن اشاره به شروع پاره‌ها در این شعر:

خدا حتما به بره چریدن یاد داده ... (بکتاش، ۱۳۸۵: ۴)

خدا حتما به طوطی پریدن یاد داده ... (همان)

خدا حتما به میوه رسیدن یاد داده ... (همان)

بایستی یادآور شد که شاعر در اول هر پاره با شروعی مناسب با در نظر گرفتن درک مخاطب، سرودن شعری خوب را آغاز کرده ولی متأسفانه در ادامه با عنوان کردن یک جمله کنایی (از نوع توضیحی) شعرش را دچار دوگانگی در محتوا کرده است که این تناقض و دوگانگی برای مخاطب کودک ابهام و سرگشتگی به وجود می‌آورد.

زبان سرخ بره سر سبز علف را به دست باد داده؟ ... (همان)
 زبان سرخ طوطی سر سبز پرش را به دست باد داده؟ ... (همان)
 زبان سرخ غنچه سر سبز پرش را به دست باد داده؟ ... (همان)

«آسمان لکلی...»

وجود شعر یاد شده به عنوان شعر کودک در مجموعه حاضر از جهت کاربرد تصاویری کودکانه سبب اختصاص آن در زمره شعرهای موفق این مجموعه است. استفاده از کلمات و ترکیباتی چون: گنجشک، کلاغ، آسمان لکلی، پرستو، ابر، زاغ، برق، نیروگاه و... برای مخاطب کودک کاملاً مشهود و عینی است. همچنین استفاده به عمد شاعر از کلمات فوق با به خدمت گرفتن مراعات النظیری آشکار به زیبایی کلام او افزوده است، علاوه بر آن کاربرد نام چند پرنده در کنار هم با ریتم خوشایندی که ایجاد شده در مجموع حس دلپذیری در مخاطب کودک به وجود می‌آورد.

تنها یک ایراد که در شعر «خدا حتماً به...» ذکر شد، در بند پایانی این شعر نیز به چشم می‌خورد، و آن کاربرد کنایه در شعر کودک و دوگانگی در محتواست.

شد صنوبر تیر برق

قصه‌اش کوتاه شد ... (بکتاش، ۱۳۸۵: ۶)

تعبیر قصه کوتاه شدن برای مخاطب کودک تعبیر سؤال برانگیزی است، و مفهوم آن چیزی نیست که کودک بتواند در نگاه اول از کنار هم قراردادن دو واژه آشنا و ساده «قصه» و «کوتاه» به آن برسد.

«یا حسین سبز»

در نگاه اول و با مشاهده کلمه و ترکیب‌هایی چون: «یا حسین، دسته‌های اشک، اذان ظهر، سجده، مهر کربلا» به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که این شعر برخی مؤلفه‌های شعر مذهبی کودک را دارا است، اما با کمی تأمل و درنگ همچنین توجه به نقاشی و تصویرگری شعر و مشاهده «کودک تفنگ به دست» تا حدی از فضای مذهبی (امام حسین (ع) و عزاداری ماه محرم) فاصله گرفته و در فضایی حماسی (با حال و هوای دفاع مقدس) قرار می‌گیریم، بنابراین با رویکردی دوباره در بند اول و در نظر گرفتن تصویر کودک با ظاهری بسیجی مواجه می‌شویم.

«دیروز مادرم

پیشانی مرا

با یا حسین بست»... (بکتاش، ۱۳۸۵: ۷)

کاربرد مجاز با علاقه جزئی و کلی در ترکیب «یا حسین» و بستن پیشانی بند یا حسین به دست مادر، روزهای مقاومت و دفاع مقدس تداعی می‌شود نه مناسبت‌های عزاداری ابا عبدالله (ع). در حالی که خود شعر به تنهایی هرگز چنین تعبیری را در خودش ندارد. (آن هم برای مخاطب کودک) و هیچ نکته و نشانه‌ای را در خود شعر نمی‌بینیم که تصویر تفنگ را در دست کودک توجیه کند. ایراد دیگری که در این شعر به چشم می‌خورد، پراکندگی در ارائه تصاویر است؛ گویی شاعر برای ساختن یک شعر بسیار شتاب‌زده و بی‌تأمل رفتار کرده است. به همین دلیل تصاویر ارائه شده در بندهای مختلف، پراکنده و تا حدی از لحاظ مفهوم فاقد اتصالات معنایی هستند (تنافر یا رمیدگی معنایی)، شاید

تنها حُسن این تصاویر آن باشد که صنعت مراعات النظیر در آن‌ها به‌خوبی به کار گرفته شده است، اما محتوای آن‌ها همان‌طور که گفته شد، از وحدت سلسله‌وار معنایی به دور است.

«دیروز مادرم

پیشانی مرا

با یاحسین بست

یک‌دفعه بغض من

با دسته‌های اشک

در کوچمان شکست»... (همان)

این سؤال در ذهن کودک شکل می‌گیرد که چرا بعد از بستن پیشانی‌بند به پیشانی یک‌دفعه بغض (کودک گوینده شعر) می‌شکند. چه چیزی یا چه تصویری این حزن و اندوه را یک‌باره به وجود آورده است؟

همچنین در بند سوم:

«وقت اذان ظهر

من سجده می‌برم

بر مهر کربلا» (همان)

باز هم تغییر فضا به شکلی ناگهانی و ارائه تصویری نو به گونه‌ای که هیچ ردّ پایی از تصاویر موجود در دو بند پیشین به چشم نمی‌خورد.

قطع کامل تصاویر شعری در پاره‌های بند دوم و سوم.

«فرش سایه‌ها»

شعر فرش سایه‌ها از جمله زیباترین شعرهای این مجموعه است؛ نگاه زیبا، احساس لطیف و شاعرانه از ویژگی‌های بارز این شعر است.

بعضی فکر می‌کنند زیبایی شعر به موسیقی آن است، یعنی شعر زیباست چون دارای وزن، قافیه و ریتم است، اما باید گفت: مهم‌ترین مسئله‌ای که نکته‌ای قابل تأمل در یک شعر خوب است، تصویرسازی‌های زیبا همراه با تخیل است. یک شاعر خوب بیشتر توانایی‌های خود را صرف این می‌کند که در شعرش تصویرهای جدید و زیبا ایجاد کند، همین تصویرها است که نگاه شاعر به محیطش را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر مهم‌ترین عامل در تشخیص یک شعر خوب و موفق از یک شعر ضعیف، تصویرهایی است که در شعر ارائه می‌شود. ساختن این تصویرها سخت است و مشکلاتی را برای شاعر ایجاد می‌کند؛ اگر شاعر بتواند این مشکلات را از سر راه بردارد، تصویرهای شعری به او کمک می‌کند که شعر خوبی بگوید، اما اگر سهل‌انگاری کند، نه تنها شعرش زیبا نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود خواننده با جمله یا تصویری عجیب و غریب و نامفهوم روبه‌رو شده و از شعر بدش بیاید.

در شعر «فرش سایه‌ها» در سه‌پاره دوم:

«فرش سایه را

زیر باغبان

پهن کرده است» (بکتاش، ۱۳۸۵: ۹)

تشبیه سایه به فرش و سپس ارائه تصویر پهن کردن این فرش زیر باغبانی که خوابیده، تصویر جدید و شاعرانه‌ای است که درک آن برای مخاطب کودک مناسب و خوشایند است.

همچنین در سه‌پاره‌های سوم و چهارم نیز شاعر همراه با دنیای خیال و ذهن کودکان مثل خود آن‌ها پیش می‌رود و همگام با کنجکاو‌های کودکانه به کشف تصاویری بدیع می‌پردازد:

«کرم کوچکی

سیب سرخ را

گاز می‌زند

در کنار جو

قورباغه‌ای

ساز می‌زند» (همان)

همچنین در بند پایانی شعر، تکرار واژه «ناتمام» در خدمت تقویت موسیقی زبان است که نوعی ریتم شاد و کودکانه را به شعر اضافه کرده است.

”سیب، ناتمام

ساز، ناتمام

شعر، ناتمام (همان)

«گل کاشت آن روز»

نکته مهمی که در این شعر حائز اهمیت و قابل عرض است: درهم آمیختن زبان و نگاه شعر نوجوان با فاکتورهای زبانی و محتوایی در شعر کودک است؛ به گونه‌ای که در شعر مورد بحث سه‌پاره با زبان و نگاه کودک سروده شده و گاه سه‌پاره یا یک بیت از آن از ویژگی‌های شعر نوجوان برخوردار است، اما در این میان شاعر با درایت، هم کودک و هم نوجوان را تا حدودی در طیف شاعرانگی خود دارد به طوری که در شعر «گل کاشت آن روز» که از اشعار خوب این مجموعه هم است، بند آخر ایهامی دارد که خاص دنیای کودکانه نیست:

«ای کاش من هم

اندازه تو

فهمیده بودم» (بکتاش، ۱۳۸۵: ۱۲)

که صد البته از زیبایی‌های این مجموعه نه تنها نمی‌کاهد، بلکه در نهایت زیبایی هم به کار گرفته شده است که درک آن برای گروه سنی ب و ج دشوار نخواهد بود.

«مشت خوشه»

در این شعر شاعر از تلفیق مصداق‌های عینی از طبیعت و اصطلاحات بانکی مثل «حساب جاری» و «پس انداز»

ضمن آموزش و یادآوری اصطلاحات بانکی و اقتصادی در مورد فرایند رویش گندم تصویرسازی کرده و در آن به سادگی همکاری «چشمه، کوه و دانه» را برای این فرایند نشان داده است، به عبارت دیگر شاعر تعبیر «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند» را با خلاقیتی کودکانه به تصویر کشیده اس :

«باز در دل کوه/چشمه باز کرده/یک حساب جاری/در مسیر خیسش/پای دانه‌ای را/کرده آبیاری/دانه در دل کوه/با حساب چشمه/خوشه می‌شود باز/چند دانه گندم/توی مشت خوشه/می‌شود پس انداز» (بکتاش، ۱۳۸۵: ۱۳)

«نوبت بهار»

اندیشه در محورهای مختلف در شعر به‌ویژه شعر بزرگسال جلوه‌گر می‌شود و گاهی در بروز بحران‌های اجتماعی، فردی و سیاسی، پرچمدار ادبیاتی به نام «ادبیات متعهد» می‌شود که افراط و تفریط در چگونگی ارائه این «تعهد» می‌تواند، در مقبولیت یا عدم پذیرش شعر «اندیشه محور» تأثیر داشته باشد؛ چرا که کاربرد هنری این عنصر مانند عناصر دیگر به آفرینش زیبایی در سخن می‌انجامد. نمونه‌های متعددی از کارکرد اندیشه در معانی فوق در شعر کودک یافت می‌شود که در بسیاری از جهات به ابعاد هنری اشعار کمک نموده و یا خود عامل اصلی برجسته‌سازی زبان است و گاهی نیز با کاربرد نوعی «تعهد الزامی» کلام را به سمت تصنع، شعار و کلیشه‌بودن سوق داده است، اما به طور کلی اندیشه یا تأمل و نگرش نسبت به هستی در شعر کودک در محورهایی قابل بررسی است (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۴۰۳) که یکی از این محورها، اندیشیدن به تحولات اجتماعی است و در واقع بیشترین بخش اشعار سروده شده در سال‌های اخیر برای کودکان و نوجوانان در این زمینه و در پیوند با انعکاس تصاویر انقلاب اسلامی و تأثیر آن در اجتماع بوده که با توجه به ویژگی‌های شعر کودک می‌توان کیفیت هنری آن‌ها را مورد بررسی قرار داد (همان):

«قبل از انقلاب/در کلاس ما/عکس شاه بود/تخته کلاس رو سیاه بود باز هم نوشت/مبصر کلاس/روی آن شعارا ناگهان رسید/نوبت بهار/مبصر کلاس/روز و شب نوشت/تا شهید شد/تخته کلاس روسپید شد» (بکتاش، ۱۳۸۵: ۱۵)

شعر یاد شده نیز از حیث دارا بودن محور اندیشیدن به تحولات اجتماعی اختصاصاً به روزهای انقلاب اسلامی و فضای حاکم بر آن روزها دلالت دارد که به لحاظ زبان و محتوا و استفاده از واژگان ساده و بهره‌مندی از صنایع آشنا (برای کودک) تشخیص و تضاد، دارای گیرایی و تخیل لازم برای مخاطب کودک است و با اینکه اندیشه حاکم بر آن به نوعی بزرگسالانه جلوه می‌کند، ولی با داشتن فاکتورهای یاد شده در گروه شعرهای خوب کودک در این مجموعه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

در نقد و بررسی یک اثر بیش از هر چیز عیب و نقص‌های آن زیر ذره‌بین منتقدان مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد، اما به واقع باید اعتراف کرد، همیشه در کنار کاستی‌ها نقاط قوتی نیز هست که گاه غفلت سبب نادیده‌گرفتن آن‌ها می‌شود؛ در حقیقت وقتی ما عیب‌های یک اثر ادبی را بررسی می‌کنیم، آنچه از آن می‌ماند، چیزی است که بی‌نقص به نظر می‌رسد و این همان نقطه قوت در آن اثر است. شعرهای خوبی در این مجموعه وجود دارد که با داشتن احساسی لطیف و شاعرانه جزء اشعار موفق به شمار می‌آید؛ چرا که شاعر در ایجاد سنخیت سرایش با گروه سنی مورد نظر "ب و ج" و ارائه مفاهیم ناب و ماندگار و نیز بهره‌مندی از زبان سالم، قابلیت‌هایی از خود نشان داده‌است؛ شعر "سایه پدر" و "چتر بابا" از آن جمله است.

منابع

- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۵). *رونویسی از بهار*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پولادی، کمال. (۱۳۸۴). *بنیادهای ادبیات کودک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- جلالی، مریم. (۱۳۹۵). *شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: انجمن زنان ناشر.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۴). *ادبیات کودکان و نوجوانان*. تهران: روشن‌گران.
- حسام‌پور، سعید و مومن‌نسب، مهسا. (۱۳۹۲). «عناصر شعری در آثار مصطفی رحماندوست، مطالعه موردی؛ بررسی مجموعه‌های «چشمه نور» و «صددانه یاقوت»». *مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. سال چهارم. ش ۱۴. زمستان. صص ۶۱-۹۴.
- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۳). *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*. تهران: ثالث.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۳). *معصومیت و تجربه*. تهران: مرکز.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۵). *از این باغ شرقی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- علی‌پور، منوچهر. (۱۳۸۵). *نقد و بررسی شعر کودک*. تهران: تیرگان.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- کیانوش، محمود. (۱۳۵۵). *شعر کودک در ایران*. تهران: آگاه.
- گودرزی دهریزی، محمد. (۱۳۸۸). *ادبیات کودکان و نوجوانان ایران*. تهران: نشر قو، چاپار.
- محبتی، مهدی. (۱۳۸۶). *بدیع نو*. تهران: سخن.